

کتابخانه کتابخانه



رضا احمدی
پژوهشگر

صفریات

سال چهارم
شماره نوزدهم و بیستم
فروردین و اردیبهشت/خرداد و تیر ماه ۱۳۹۷

قضا گاو مرد و چند روز مردم شهر به عزاداری پرداختند. غوغا اندکی فرو نشست و امیرکبیر طراحان این واقعه را سیاست کرد. سوء استفاده ابزاری از دین و مقدسات و امام زمان به گونه‌ای شد که کسی جرأت مخالفت با یک گاو را نداشت.^۱

تعریف دین

دین شناسان، کلمه «دین» که در انگلیسی «Religion» خوانده می‌شود، شامل همه ادیان می‌دانند.^۲ تعریف صاحب نظران ادیان با متکلمان ملل و نحل متفاوت است، متکلمان، ادیانی را که منشأ الهی دارند، دین می‌شمارند. علامه طباطبایی، دین را مجموعه‌ای از برنامه‌های عملی هماهنگ با نوعی جهان بینی می‌داند که انسان برای رسیدن به سعادت خود، آن را وضع می‌کند و یا از دیگران می‌پذیرد.^۳ فیل ذاکر من، دین آموخته‌های اجتماعی است. افراد، دین و مذهبشان را از افراد دیگر می‌آموزند و کسب می‌کنند.^۴ استاد مطهری، دین، استوارترین ستون حیات مادی و معنوی و امنیت روانی آدمی است که به او عزت و شرافت می‌بخشد و نور ایمان و اخلاص را در جانش می‌افروزد و او را از زنجیر اسارت‌های نابخردانه آزاد می‌سازد. اگر در تاریخ بشریت فداکاری دیده می‌شود و یا نیکوکاری و خدمت به خلق دیده می‌شود و یا شجاعت و شهادت در برابر زور و استبداد دیده می‌شود و یا یک سر مو تجاوز نکردن از حدود و مدار خود به حدود و مدار دیگران دیده می‌شود، همه اینها در پرتو دین و توجه به خدای یگانه بینای شنوای علیم حکیم بوده است. آیا نیروی دیگری و قدرت دیگری می‌تواند در این جهت با دین رقابت کند و یا ادعا کند که صد یک آنچه دین انجام می‌دهد، انجام دهد؟^۵

جامعه دینی

هر تعریفی برای جامعه دینی داشته باشیم چه آن را «جامعه‌ای که به غایات و آمال دینی توجه دارد» یا «جامعه اخلاقی» یا «جامعه‌ای مبتنی بر شعائر و دستورالعمل‌های دینی» بدانیم، این واقعیت هست که بعضی از جوامع، رنگ و بوی دینی گرفته‌اند و دین نهاد اصلی یا یکی از نهادهای اصلی با بیشترین تأثیر در آن است. این جوامع عمدتاً مبتنی بر حوادث و رخداد‌های دینی است، آنها دست خداوند را در امور جهان و در کار

مقدمه، یک واقعه!

در سال ۱۲۶۵ ق، قصابی در وسط میدان صاحب‌الامر تبریز می‌خواست گاو را ذبح کند، گاو بند را پاره و از زیر دست قصاب فرار کرد و داخل مسجد صاحب‌الامر شد. قصاب ریسمانی برد و بر گردن گاو انداز زد و طناب پاره شد، قصاب نقش بر زمین شد و مرد. گاو فرار کنان وارد خانه متولی مسجد شد و در شهر شایع گردید که امام زمان معجزه کرده است و قصاب که قصد کشتن گاو را داشت کشته است. بانگ صلوات مردم بلند شد. به میمنت معجزه صاحب‌الامر بازار شهر را تا یک ماه آذین بستند و چراغانی کردند. اعلام کردند که تبریز دیگر شهر صاحب‌الامر و مقدس است، مردم تبریز از پرداخت مالیات و حکم حاکم معاف هستند. گاو را مقدس اعلام کردند. عده‌ای بر پشت آن سنگر گرفتند.

گاو را به منزل میر فتح بزرگ شهر بردند، جلی از بافته کشمیر بر آن انداختند، خدام و فراش بر آن بگماشتند. هر روز شفای مریضی در شهر شایعه می‌شد، که کور بینا شد، فلان گنگ به زبان آمده، پای لنگ شفا یافته است. مردم دور و نزدیک دسته دسته با چاوشی، نذر، نیاز و صلوات به زیارت گاو می‌رفتند و زوار در صف ایستاده به تبرک بر سم گاو بوسه می‌زدند. جماعتی در پشت گاو مقدس سنگر گرفته بودند. بزرگان شهر به گرد آن جمع شدند. هیچ کس توان مقابله با آنها را نداشت. زیرا آنها با ابزار دین معجزه صاحب‌الامر رو در رو می‌شدند. هر کس برای زیارت می‌آمد جهت تبرک مویی از گاو می‌کند و به تبرک می‌برد، بعد از چندی مویی بر بدن گاو باقی نماند، زیرا زوار برای تبرک کنده بودند.

هر روز معجزه و آوازه‌ای تازه بر سر زبان‌ها می‌انداختند، بزرگان نذورات، پرده و فرش و ظرف می‌فرستادند، کنسولگری انگلیس هم چهل چراغی فرستاد که هم اکنون زیر گنبد مسجد آویزان است.

حشمت الدوله حاکم شهر از بیم عوام، که مخالفت با این اتفاق، مخالفت با امام زمان خواهد بود، درمانده بود، از

■ **اگر دین به عنوان یک منبعی الهام بخش در زندگی سیاسی برای ترویج و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی مورد توجه قرار گیرد آسیبی ندارد، آسیب‌ها هنگامی اتفاق می‌افتد که استفاده ابزاری از دین صورت بگیرد.**

■

می‌دانند و همه امور جامعه در چهارچوب دین فهمیده می‌شوند. دین و جامعه دینی مثل هر پدیده دیگر در معرض آفات و آسیب‌ها قرار دارند. آفات و آسیب‌های جامعه دینی، نوع خاصی از آسیب‌ها است. از آسیب‌های خاصی که جوامع دینی را تهدید می‌کند، استفاده ابزاری از دین می‌باشد.

استفاده ابزاری از دین

همه چیز در دنیای ما در معرض زوال، انحطاط، تحول و تغییر است. اندیشه و باورهای دینی نیز همانند همه امور انسانی از آفات دنیای خاکی به دور

نیستند. اما در جوامع دینی، دین‌داران، متولیان آن، پرداختن به آفات دین را بر نمی‌تابند و لذا طرح آن با دشواری روبرو است. و همین مسئله موجب شده که کسی جرأت سخن گفتن از آسیب‌های دینی را پیدا نکند.

در حوزه دین‌شناسی، در غالب موارد، آفات دین حتی اجازه بروز هم نیافته است و هر کاری از این دست، به سرعت به بدعت و رفس متهم شده و مهجور مانده‌اند. در حالی که آفات موجود در باورها و اندیشه دینی رابطه‌ای ضروری با دین ندارند، بلکه همواره اتفاق می‌افتند.^۱

اگر دین نقشی ابزاری پیدا کند و در خدمت تمایلات و مطامع اشخاص قرار گیرد، و در حوزه اقتدار این و آن واقع

شود، آسیب‌های جدی به دین و دینداری وارد می‌گردد. وقتی دین و دینداری نقش ابزاری بیابد، رنگ تمایلات و مطامع اشخاص زده می‌شود. آنان که دین را در راه قدرت و سیاست و مدیریت و حکومت دلخواه خود خرج می‌کنند و در این راه بخش‌هایی از دین را مطرح می‌کنند و رونق می‌دهند و بخش‌هایی را پوشیده می‌دارند و مسکوت می‌گذارند، موجبات آسیب به دین و بسستی ایمان مردمان را فراهم می‌کنند.^۲

آنگاه که مؤمنان و متولیان دین در جامعه دینی، بخشی‌هایی از دین را که

در راستای منافع خود می‌دانند، برجسته کرده و به ابعاد دیگر دین که در راستای منافع آنها قرار ندارد، بهایی داده نمی‌شود آن ابعاد مغفول واقع می‌شوند. هر پدیده‌ای که در عرصه اجتماع نقش سازنده و مثبت دارد، ظرفیت این را دارد تا دچار آسیب‌هایی گردد. و هر پدیده‌ای که نقش پررنگتری در پیشبرد و اصلاح جامعه دارد در صورت سوء استفاده می‌تواند بیشترین آسیب هم به جامعه وارد کند. اگر دین به گونه‌ای اصولی و بر مبنای صحیح در جامعه اجرایی نگردد و برداشت‌های سلیقه‌ای و اهداف شوم در آن گنجانده شود، بی‌شک بالاترین آسیب را باید برای دین فرض نمود. گاندی در این باره می‌گوید: فجیع‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین جنایتی که تاریخ به ثبت رسانیده است، زیر پوشش دین یا انگیزه شریف انجام شده است.^۳

ما و استفاده ابزاری از دین

تک ساحتی شدن مسلمانان و توجه به یک بُعد دین و واگذاشتن دیگر ابعاد آن، ابزار دست گروه‌های جهادی در دهه‌های اخیر شده است و جهاد، مقاومت، انقلابی‌گری به همراه نوعی سلفی‌گری بُعد شاخص اسلام شد و ابعادی چون اخلاق، عدالت اجتماعی و قسط، حق الناس، به رسمیت شناختن حقوق دیگران و... از ابعاد غیر قابل انکار دین، به فراموشی سپرده شد و از اسلام چهره‌ای خشن، بی‌رحم، مخالف مدنیت و توسعه برای جهانیان به نمایش گذاشت و در نتیجه موجب اسلام هراسی و وارد آمدن اتهام ترور به مسلمانان شد. گروه‌های جهادی چون داعش، النصره و طالبان فقط به جهاد، مقاومت و ایثار توجه دارند. جامعه ما هم از امواج فرهنگ جهادی دوره معاصر جهان اسلام در امان نماند و توجه بیش از حد به جهاد، مبارزه و ایثار، سبب شد که دیگر معارف دینی مغفول واقع شوند. گویا در اسلام غیر از جهاد و مبارزه اصول دیگری وجود ندارد؟ همه خط مشی‌ها و برنامه‌ها بر اساس این اصول نوشته و بسیاری از نیازهای اولیه به فراموشی سپرده شد. تک ساحتی شدن، آسیب‌های جدی بر جامعه وارد کرد و همه سرمایه‌ها و توان جامعه را مستهلک نمود و دیگر ابعاد فراموش گردید. کارنامه چهار دهه ما این شد: فاصله طبقاتی وحشتناک، فساد سیستمی، فراموشی اخلاق، تبدیل غارتگری به اخلاق روزمره، پایین آمدن آستانه تحمل، کمی بهره‌وری، پایین آمدن آستانه تحمل جامعه، حاشیه نشینی گسترده، اعتیاد، طلاق، تورم افسارگسیخته،

■ **خلافت طی سده‌ها، هاله‌ای از قداست بر پیرامون خود کشید و هر کس که دم از مخالفت با آنها می‌زد فوراً با چماق تکفیر بر فرقه‌ش می‌کوبیدند و او را مرتد و خارج از دین معرفی می‌کردند.**

■

بیکاری، فقدان شفافیت و پاسخ‌گویی، بی‌توجهی به بیت‌المال و منافع ملی کشور، انزوای بین‌المللی، فرار مغزها، پانزده میلیون پرونده‌های دستگاه قضائیه، و ...

به گزارش خبرنگاران جوان؛ اوضاع توزیع درآمدی ما چندان خوب نیست. یعنی فاصله اقشار کم درآمد ما به نسبت قشر

پدرآمد بسیار زیاد است. یا در تازه‌ترین گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در زمینه شاخص ادراک فساد، ایران با یک پله صعود نسبت به سال گذشته، در رتبه ۱۳۰ از بین ۱۸۰ کشور، مورد بررسی قرار گرفته است.

این شاخص‌های ناگوار ناشی از تک‌بعدی‌نگری به مسایل دینی و استفاده ابزاری است که ضرر کننده اصلی در ایران، دین و ایمان و سرمایه‌های ملی است.

عوامل استفاده ابزاری

ماهیت دین به گونه‌ای است که ظرفیت سوء استفاده را دارد. ویژگی‌های ذیل در سوء استفاده از دین مؤثر می‌باشند:

۱. **قرائت پذیری:** «قرائت‌های مختلف از دین»، مقوله‌ای علمی و فرهنگی است اما عده‌ای آن را دستاویز مطامع و اغراض و اهداف خود قرار می‌دهند. آنچه موجب سوء استفاده از دین می‌شود، قرائت پذیر بودن آن است و این مسئله آن را در معرض سوء فهم‌های مختلف و بعضاً متعارض قرار می‌دهد. قرائت‌پذیری دین در دوره‌های مختلف تاریخی به اختلافات فرهنگی و اجتماعی انجامیده و بهانه برای شکل‌گیری نزاع‌های فکری و جنگ‌های بی‌رحمانه‌ای در تاریخ شده است؛ قرائت‌هایی از دین، تبعیض‌آمیزترین و مخرب‌ترین قشربندی‌های اجتماعی را

مبارزه مذهب علیه مذهب، از حرب‌هایی است که همیشه در دست حاکمان مستبد و استعمارگران بوده است و در طول تاریخ، دین در حکم سلاحی کم‌هزینه و سودمند برای بهره‌گیری بیشتر بوده است. آنگاه که از دین قرائتی ایدئولوژیک، صورت گیرد.

توجه نموده است.^۹

مبارزه مذهب علیه مذهب، از حرب‌هایی است که همیشه در دست حاکمان مستبد و استعمارگران بوده است و در طول تاریخ، دین در حکم سلاحی کم‌هزینه و سودمند برای بهره‌گیری بیشتر بوده است. آنگاه که از دین قرائتی ایدئولوژیک، صورت گیرد، موجب می‌شود که باوری مطلق، انعطاف‌ناپذیر، تمامیت‌خواهانه، توجیه‌گر و اتوپیانگر، خیال پرداز را به نمایش گذارد و در راستای تحقق آن از هر هیچ امر کوتاهی نمی‌کند.

۲. **ایمان:** آنگاه که انسان به ایده‌ای گرایش و سپس به اعتقاد قلبی و ایمان تبدیل می‌شود، همه جهت‌گیری‌ها و رفتار فرد ایمان آورنده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ایمان بر خواسته از باورهای عوامانه، سطحی، عقل‌ستیز و خرافی، آثار آن بر رفتار فرد آشکار می‌شود.

پس ایمان بعد غیر جسمانی انسان است که میسر و جهت‌گیری‌های او را مشخص می‌کند.

۳. **مطامع شخصی:** انسان دارای تمایلات نفسانی است. او همه چیز را برای خود می‌خواهد و سوی خواسته‌های نفسانی او حد و مرزی ندارد. بعضی از انسان‌ها دین را بر اساس مطامع شخصی تفسیر می‌کنند. اینجاست که دین اسیر دست طرفدارانش می‌شود.

با نگرش سطحی به تاریخ در می‌یابیم که تاریخ مملو از سوء استفاده از ادیان مختلف و ایمان‌پروان آنها است، و سوء استفاده هم مختص ادیان خاصی نیست.

گونه شناسی

دین، همانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر، علاوه بر کارکردهای مفید و مؤثری که دارد، آنگاه که قرائت‌ها خاص و جهت‌دار از آن

در چند دهه اخیر نقش مذهب در سیاست‌های داخلی اکثر کشورهای اسلامی افزایش یافته است. گروه‌های اسلامگرا در کشورهای چون مصر، الجزایر، مراکش و ایران، با استفاده از مذهب به عنوان ابزاری در جهت به چالش کشیدن دولت‌های وقت استفاده کردند.

صورت می‌گیرد، نقش تخدیری و تخریبی گسترده‌ی می‌یابد. در دنیا هیچ دین و آیینی را نمی‌توان یافت که فقط در راستای سعادت و خوشبختی بشریت به کار گرفته شده باشد و بلکه در موارد و نمونه‌های بسیار، عامل انحطاط، سقوط و سودجویی و بهره‌کشی‌های غیراخلاقی از سوی برخی تبدیل شده است.

نگاه ابرازی به دین، آن را در خدمت تمایلات و مطامع شخصی قرار می‌دهد، این وضعیت در لایه‌های مختلف اجتماعی وجود دارد:

۱. شخصی؛ گاهی شخص مؤمن به یک دین و مذهب، برای اینکه به مطامع شخصی خود دست یابد، برای خود وجهه و اعتبار دینی دست و پا می‌کند، و این اعتبار مذهبی را دست‌مایه رسیدن به خواسته‌های دنیوی و دست‌یابی به مناصب قرار می‌دهد. این اتفاق در جامعه مذهبی بوجود می‌آید زیرا وجهه مذهبی، دارای اعتبار و در این جامعه خریدار دارد. ریش تسیبج، یقه بندی، لباس سیاه، سلام صلوات، مکه، کربلا، مشهد، گریه، نذری و روضه، دعا، قمه، هیئت، سینه زنی و اسامی ائمه بر اماکن کسب و سفره ام البنین، گهواره و... هر یک از این وجوه نوعی اعتبار و اعتماد فراهم می‌آورد که از سوی افرادی خاص مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد که به نوعی به استفاده ابرازی از دین می‌انجامد. لسان الغیب در این باره می‌آورد:

واعظان کین جلوه بر
محراب و منبر
می‌کنند

**خوشاوندی پیامبر را محملی برای
برای رسیدن به ثروت، قدرت و راه
رسیدن و حفظ قدرت می‌دانستند،
خود را اهل بیت و مصداق آیه
ذوی‌القربی دانسته و قدرت خلافت را
ارثیه خود از پیامبر می‌پنداشتند.**

چون به
خلوت
می‌روند آن کار
دیگر می‌کنند
گوییا باور نمی‌دارند روز داوری
کاین همه قلب و دغل در کار داور
می‌کنند^{۱۰}

بعضی با تظاهر به دینداری بر این باورند که از

همه بالاترند، در صورتی که این‌گونه نبوده و برتری انسان‌ها به سجایای اخلاقی و تقوا است، نه به ظاهر.

۲. گروهی؛ در آیه ی ۷۹ سوره بقره، اهل کتاب را بخاطر استفاده ابرازی از دین سرزنش می‌کند: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشَارَكُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا»، وای بر کسانی که با دست خودشان کتابی می‌نگارند و سپس می‌گویند این از سوی خدا آمده است تا آن را به یک بهای اندکی بفروشند. یا در سوره توبه آیه ۳۰ می‌فرماید: «روحانیت شان، احبار و رهبانان شان را به جای خدا ارباب می‌گرفتند.»

اگر دین به عنوان یک منبعی الهام بخش در زندگی سیاسی برای ترویج و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی مورد توجه قرار گیرد آسیبی ندارد، آسیب‌ها هنگامی اتفاق می‌افتد که استفاده ابرازی از دین صورت بگیرد.

استفاده ابرازی از دین توسط برخی از گروه‌های سیاسی و اجتماعی، در طول تاریخ تا به امروز برای پیشبرد اهداف و مطامع نفسانی خود، خاطره خوبی نداشته است. آنها از دین ابزار خشن و بی‌رحمانه می‌آفرینند و معمولاً قرائتی ایدئولوژیک از مذهب ارایه می‌کنند. این وضعیت در بین همه ادیان دیده شده است. خوارج اولین گروه در بین مسلمانان بودند که قرائتی ایدئولوژیک

از اسلام ارائه کرد، آنها با شعار «لا حکم

الا لله» به کشتار دست زد.

عصر ما، طالبان، النصره و

داعش و... با شعار

«لا اله الا الله»

و

استفاده

از آموزه‌های

دینی به تربیت

عناصر انتحاری مبادرت

کرده که خود را در بین مردم

بی‌گناه منفجر می‌کنند، زنان را به

اسارت در آورده و در بازار بردگی به فروش

می‌رسانند. جنایات داعش علیه زنان و فروش آنان

در بازار بردگی، بریدن سر با اهر برقی، آتش زدن، در آب غرق کردن و نابود کردن آثار باستانی و در کل، کارنامه آنها در عراق و سوریه گوشه‌ای از رفتار آنهاست. عماد

هر روز معجزه و آوازه‌های تازه بر سر زبان‌ها می‌انداختند، بزرگان نذورات، پرده و فرش و ظرف می‌فرستادند، کنسولگری انگلیس هم چهل چراغی فرستاد که هم اکنون زیر گنبد مسجد آویزان است.

زیادی در تاریخ ایران و جهان اسلام وجود دارد که سلاطین و حکام دین و مذهب را وسیله برای پیشبرد اهداف و امیال خود قرار داده‌اند و بسا استفاده از

شعارهای مذهبی گروه‌های زیادی را در راستای اهداف خود جذب می‌کنند. از پیوندی که بین دین و سیاست بوجود می‌آید معمولاً سیاست دست بالا را دارد و به دین نگاه ابزاری دارند.

باز خوانی تاریخی

استفاده ابزاری از دین نه تنها موضوع تازه‌ای نیست بلکه یک واقعه تلخ تاریخی است که احساسات مذهبی مردم دستاویز برای استفاده افراد، گروه‌ها و حکومت‌ها می‌شود. در اینجا به چند نمونه تاریخی اشاره می‌کنیم:

۱. **جنگ‌های صلیبی:** پاپ اوربان دوم در جریان شورای کلرمونت، در سال ۱۰۹۵ میلادی، آزادی سرزمین مقدس را خواستار شد.

عزیمت نخستین جنگجویان صلیبی در ۱۵ آگوست ۱۰۹۶، مصادف با روز عروج مریم، آغاز شد.

پیتر، راهب واعظ شهیر فرانسوی بر الاغی سوار و سراسر اروپا را با نطق‌های آتشین خود همه را به جهاد علیه مسلمانان کافر دعوت کرد تا برای ظهور حضرت مسیح در هزاره تولد آن حضرت خود را بیت‌المقدس برسانند. توده‌های مؤمن برای ثواب و دیدن مسیح، آماده حرکت به سوی بیت‌المقدس شدند. او موفق‌ترین شخص در میان واعظان پیام اوربان است و در میان پیروانش احساسات افراطی و متعصبانه را رواج داده بود. یک میلیون نفر مسیح شدند و با شعار آزادسازی قدس به حرکت در آمدند و بر

افروغ گوشه‌ای از استفاده ابزاری در ایران را روایت می‌کند: «سیاست آنچه‌ان قدسی شده بود که مانع نقد می‌شد. البته این قدسیت سیاست را گره بزیند با جایگاه روحانیت و عدم نظارت سایر روحانیون، به این ترتیب آنقدر قداست را بالا بردند که نقد با مانع سنگینی مواجه شد و بعد توجیه‌ها و تطهیرها هم باعث شد که نقدهای بالقوه هم به فعلیت نرسد. وقتی [روحانیت] در قدرت آمدند و قداستی هم به قدرشان بخشیدند، هم خودشان تصدی کردند و هم آن نظارت را تحت الشعاع قرار دادند و هم خودشان به حکومت دینی وجاهت و قداست بخشیدند.»^{۱۱}

در چند دهه اخیر نقش مذهب در سیاست‌های داخلی اکثر کشورهای اسلامی افزایش یافته است. گروه‌های اسلامگرا در کشورهای چون مصر، الجزایر، مراکش و ایران، با استفاده از مذهب به عنوان ابزاری در جهت به چالش کشیدن دولت‌های وقت استفاده کردند.

عربستان، در ذیل اسلام وهایی برای پیشبرد، اهداف سیاسی، امیال خود از مذهب بهره می‌برد. آنها توانسته‌اند شبکه‌ای وسیع از مساجد و ائمه جمعه و جماعت به همراه سازمان‌های مذهبی در سراسر جهان را سازمان دهند و حتی گروه‌هایی چون طالبان و داعش و... را به وجود آورند و این مجموعه‌های دینی به پیاده نظام دولت سعودی تبدیل شده‌اند.

۳. **دولت‌ها:** دولت‌ها با استفاده از شعارهای مذهبی، اهداف سیاسی و دنیوی خود را پیش می‌برند. نمونه‌های

لباس خود علامت صلیب کشیدند. تا اخلاص خود را اعلام دارند.

در حالی که طراحان این جنگ‌هایی که دوستانه سال طول کشید، پادشان و کنت‌ها و بازرگانان اروپایی بودند که بوسیله شعار آزادی قدس به ثروت شرف اسلامی دست یابند. آنها خود را در پشت شعار آزادی سرزمین مقدس و ظهور حضرت مسیح پنهان کرده بودند.

۲. تشکیل دولت مقدس: عده‌ای از یهودیان که به فرقه صهیون شهرت یافتند، با شعار بازگشت به سرزمین مقدس برای پایان دادن رنج چند هزار ساله یهودیان، در پی دست یافتن به فلسطین برآمدند. صهیون‌ها گروهی بودند که در پشت شعارهای دینی در پی دست یافتن به اهداف سیاسی و گروهی خود هستند و در این راه از هیچ جنایتی کوتاهی نکردند.

اردشیر بابکان بنیان‌گذار دولت ساسانی، سیاست اتحاد دین و دولت را پایه‌گذاری کرد. هنگامی که اردشیر به قدرت رسید، در پی این بود که دین مزدیسنی را که در زمان اشکانیان در کنار حکومت قرار داشت با حکومت یکی سازد و از آن به عنوان حربه سیاسی بهره برد. عامل اجرای این سیاست از زمان اردشیر به بعد موبدی به نام کرتیر، موبد پرنفوذ دوران ساسانی بود که در مدت سلطنت شش پادشاه از اردشیر یکم تا نرسه می زیسته است. پادشاهان ساسانی خود را کارگزار اهورا مزاد می‌دانستند.^{۱۲}

در دوره اسلامی همه، از خلفای راشدین گرفته تا بنی امیه، بنی العباس، سلاطین عثمانی و... خود را جانشین رسول خدا و حکم خود را حکم الله می‌دانستند. خلافت طی سده‌ها، هاله‌ای از قداست بر پیرامون خود کشید و هر کس که دم از مخالفت با آنها می‌زد فوراً با چماق تکفیر بر فرقه می‌کوبیدند و او را مرتد و خارج از دین معرفی می‌کردند (جان، مال و ناموس او را بر خود حلال می‌دانستند.) و صدای او مصیبت‌های آنها بلند می‌شد که ما جانشین و خویش و کس و کار پیامبریم.^{۱۳}

معاویه امام جمعه و جماعت بود و بر منبر می‌رفت و مردمان را به تقوا و پروا پیشگی فرا می‌خواند، و با نقاب دین و دین‌داری و امامت جمعه و جماعت و پیشوایی مسلمانان، بساط سلطنت و ملوکیت به پا کرد و خود را بر جان و مال و ناموس مردمان مسلط کرد و خودکامگی نمود.^{۱۴}

■ اگر دین نقشی ابزاری پیدا کند و در خدمت تمایلات و مطامع اشخاص قرار گیرد، و در حوزه اقتدار این و آن واقع شود، آسیب‌های جدی به دین و دینداری وارد می‌گردد. ■

“

■ علامه طباطبایی، دین را مجموعه‌ای از برنامه‌های عملی هماهنگ با نوعی جهان بینی می‌داند که انسان برای رسیدن به سعادت خود، آن را وضع می‌کند و یا از دیگران می‌پذیرد. ■

“

■ جامعه ما هم از امواج فرهنگ جهادی دوره معاصر جهان اسلام در امان نماند و توجه بیش از حد به جهاد، مبارزه و ایثار، سبب شد که دیگر معارف دینی مغفول واقع شوند. ■

عباسیان با پرچم اسلام، هشتصد سال بر جهان اسلام حکومت کردند. آنان پانصد سال در بغداد و سیصد سال در قاهره حکم راندند. بنیاد خلافت عباسی از همان آغاز، مبتنی بر خدعه و تفرقه اندازی و استفاده ابزاری از دین و خویشاوندی پیامبر ﷺ بود.^{۱۵} آنها خویشاوندی پیامبر را محملی برای برای رسیدن به ثروت، قدرت و راه رسیدن و حفظ قدرت می دانستند، آنها خود را اهل بیت و مصداق آیه ذی القربی دانسته و قدرت خلافت را ارثیه خود از پیامبر می پنداشتند. عوام الناس هم تحت تأثیر این امواج تبلیغاتی به آنها تمکین کردند. برای اثبات قداست خود روایاتی جعل و کتابهای انبوهی نوشتند و علما بر آن شهادت دادند.

سلطین محلی، در ایران نیز خود را نماینده خلافت و مجری شریعت می دانستند و با القابی چون ناصرالدین، رکن الدین، غیاث الدین، معزالدین و... که از سوی خلیفه به آنها عطا می شد و شرعی بودن حکومت آنها را تأیید می کرد، حکومت اسلامی واجب الاتباع داشتند.

پس از عصر خلافت و تشکیل دولت ملی صفوی در ایران، سلطین این دولت نیز، خود را مرشد کامل و نماینده امام عصر می دانستند. در اندیشه سیاسی عصر صفوی، شاه، را سایه خدا و مظهر خدا (ظل الله) و نایب امام زمان می دانستند.^{۱۶}

سلطین این سلسله، از این جهت که خود را اولاد پیامبر می دانند این امتیاز را دارند که مردم ایران آنها را معصوم می دانند، یعنی عقیده دارند اخلاق و رفتار شاه هر چه باشد مرتکب گناه نمی شود و هر تصمیمی بگیرد بی عیب و نقص می باشد... شاه ایران مقام ریاست مملکت و ریاست مذهب را هم دارا می باشد و این دو مقام، دو تکیه گاه قوی و مستحکم برای قدرت نامحدود مطلق می باشد. فرامین شاه در حکم احکام آسمانی می دانند و آن را وحی منزل می پذیرند.^{۱۷}

سلطین صفوی حاکمیت خود را حکومت از جانب امام زمان می دانستند و شعار اصلی این دوره دعا برای ظهور آن حضرت بود و عقیده بر این بود که انتهای حکومت صفویه با ظهور آن حضرت مقارن می گردد و روایاتی هم برای این امر در منابع و مساجد می خواندند و کتابهایی در این باره نوشته شد.

ایرانیان به شدت بر این عقیده اند که در اصفهان و دو شهر دیگر ایران یک طویله مختص اسب امام زمان وجود دارد

که طویله صاحب الزمانی می نامیدند.^{۱۸} در این طویله ها همیشه دو اسب زین کرده با زین طلا آماده بود که یکی مخصوص حضرت و دیگر برای شاه بود تا امام زمان ظهور کرد بر این اسب سوار شود. شاهان صفوی که خود را جانشین امام معصوم پنداشته و تمام کارهای خود را منصوب به فرمان آنها می کردند. شاه عباس دوم امام علی را در خواب می بیند: که می فرمایند، می خواهم ابوترابیان را برطرف کنم، برو قندهار را مفتوح ساز. پس از این شاه فرمان جنگ را مستقیماً از امام معصوم گرفته و برای نجات شیعیان و تصرف قندهار ... می شناید.^{۱۹}

۳. گروه فشار صفویه: شاه اسماعیل گروهی بنام تبرائیان تجهیز کرد تا در کوچ و بازار به راه افتند و نه تنها خود به سب و لعن بزرگان اهل سنت مبادرت ورزند بلکه همگان را نیز مجبور و بدین کار نمایند. آنها در تظاهر به دوستی آل عصمت و طهارت و اظهار عداوت به اهل سنت و جماعت زیاده روی می کردند.^{۲۰}

۴. استخاره و به توپ بستن مجلس: محمدعلی شاه برای به توپ بستن «خانه ملت» یا زندانی ساختن و تبعید آزادی خواهانی که بر حفظ دستاوردهای مشروطه تأکید داشتند - شاه «اسلام پناه» که «سایه خدا» روی زمین است - به مقتضای «استخاره» خود عمل کرده است! مسئول استخاره کردن وی سید محمد زنجانی معروف به «میرزا ابوطالب زنجانی» بود که دست کم و در نهایت در ردیف مخالفان جدی مشروطه قرار داشته است. شاه موضوع استخاره خود را نوشته و درون پاکتی می گذاشت و برای میرزا ابوطالب می فرستاد و روی پاکت قید می کرد که وی استخاره بگیرد. میرزا نیز نتیجه استخاره را می نوشت و برای شاه می فرستاد. روزی برای استخاره به توپ بستن مجلس شورای ملی و گرفتن جان نمایندگان مردم و مدافعان مجلس به میرزا ابوطالب می نویسد: «بسم الله الرحمن الرحیم پروردگارا اگر من امشب توپ به در مجلس بفرستم و فردا با قوه قهریه مردم را اسکات نمایم خوب است و صلاح است استخاره خوب بیاید و الا فلا یا دلیل المتحیرین یا الله.»

و به ادعای میرزا ابوطالب که خود از مخالفان مشروطه است، پاسخ قرآن مثبت می باشد و مایه پیروزی.^{۲۱}

پیامدهای استفاده ابزاری

حکایت برجسته و پررنگ کردن برخی از دستورات دینی و

می‌برند. با این رویکرد، پیامدهای ناگواری در انتظار دین است و پیامدهای ذیل را به همراه دارد:

۱ - دین از اصالت می‌افتد؛ زیرا دین فقط ابزار توجیه رفتار و اعمال دینداران، پلکان بالا رفتن آنهاست و خودش اصالتی ندارد و قدر و ارزش آن از بین می‌رود.

۲- بی‌اعتمادی به دین؛ تبدیل شدن دین به ابزار، موجب بی‌اعتمادی به دین می‌شود.

۳ - دل‌بستگی به چنین آیینی رنگ می‌بازد.

۴ - انتظار هدایت و رستگاری از این دین نمی‌رود.

۵ - دین و دینداری نقش محوری خود را از دست می‌دهد.

۶ - ... و دین آرام آرام منزوی می‌شود.

۷ - دین بی‌اعتبار می‌شود.

اگر این احساس در انسان پیدا شود که دین محملی است برای مطامع دنیوی، وقتی که سخن از دین گفته می‌شود و به دینداری توصیه می‌گردد، شنونده نتیجه می‌گیرد که مقصدی دیگر در کار است و سخنرانان دینی و توصیه‌کنندگان به دین و متولیان امور دین، در پی جلب خواسته‌های خود و رسیدن به تمایلات و مطامع خویش‌اند. در این صورت، حصارهای باور دینی سخت آسیب می‌بیند. امیرمومنان علی علیه السلام در بیان هشدار دهنده از دوره‌ای یاد می‌کند که دین در آن نقشی ابزاری پیدا کرد و حکومت، دین را ابزار سیاست خود و وسیله اقتدار خود گردانید؛ هر جا لازم دید از دین خرج نمود و بدین وسیله قدرت طلبی و اقتدارگرایی خویش را پیش بردند.

دین در دست آنان چون ابزاری برای تمایلات و مطامع پلیدشان تبدیل می‌شود. هرگاه دین به اسارت در آید؛ پیامدهای ناگواری برای همگان به بار می‌آید. تعبیر «اسیر» برای دین حاکی از آن است که کسانی دین را چون «اسیران» تلقی کنند و آن را مایملک و مملوک خویش بینند و احساس کنند که با آن هر کاری خواهند می‌توانند بکنند؛ دین در خدمت آنان باشد و مطیع اوامرشان؛ در خدمت هوا و هوسهایشان. و اگر چنین شود، هر خیانت و جنایتی به نام دین صورت می‌گیرد؛ و روشن است که چه تصویری از دین و دینداری پیدا خواهد شد و چگونه دین و دینداری آسیب خواهد دید، و در نتیجه دین گریزی باب خواهد شد.

زبان کسان از پی سود خویش بچویند و دین اندر اندر پیش

^{۲۴}

دولت‌ها با استفاده از شعارهای مذهبی، اهداف سیاسی و دنیوی خود را پیش می‌برند. نمونه‌های زیادی در تاریخ ایران و جهان اسلام وجود دارد که سلاطین و حکام دین و مذهب را وسیله برای پیشبرد اهداف و امیال خود قرار داده‌اند.

محمد علی شاه قاجار برای انجام کارهای مختلف استخاره می‌کرد، متوسل شدن به این امور منتهی به تعطیلی عقل است.

عمل به بعضی از آن و کنار گذاشتن بعض دیگر، سرنوشت محتوم همه ادیان است. قرآن به پیامدهای این آسیب هشدار می‌دهد: «أَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ»^{۲۲} امام علی علیه السلام در تصویری آشکار موضوع را این‌گونه توضیح می‌دهد: «فَإِنَّ هَذَا الْبَيْنَ قَدْ كَانَ أُسِيرًا فِي أُيْدِي الْأَشْرَارِ يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَى وَتُطَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا»^{۲۳} همان این دین در دست بدکاران، اسیر و گرفتار بود؛ در آن کار از روی هوس انجام و بواسطه آن دنیا طلب می‌شد.

هرگاه دین، محملی برای رسیدن به مطامع شخصی یا گروهی تبدیل شود، دین اسیر در دست دینداران است و آنان دین را در راستای هوای نفس و دنیای خود به کار

پانوشت‌ها:

۱. تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، نادر میرزا، ص ۱۱۱.
۲. فضائی، یوسف، بنیادهای اجتماعی دین، انتشارات چاپار، ۲۵۳۶، ص ۱۴۰.
۳. طباطبایی، محمد حسین، شیعه در اسلام، ۲-۳.
۴. زاگرن، فیل، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه خشیار دیهیمی، لوح فکر، ۱۳۸۴، ص ۹۴.
۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۷۸.
۶. محمدی، مجید، آسیب‌شناسی دینی، نشر تفکر، ۱۳۷۳، ص ۶۱-۶۲.
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی، رهنمان دین، انتشارت دریا، ۱۳۵۹، ص ۲۳۱.
۸. هیلاری رودریگیس، جان اس. هاردینگ، درسنامه دین‌شناسی، مترجم سیدلطف‌الله جلالی، پژوهشکده ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰، ص ۲۷۷.
۹. فونتانا، دیوید، روانشناسی دین و معنویت، مترجم ساوار، ناشر ادیان، ۱۳۸۵، ص ۲۰.
۱۰. دیوان حافظ، غزلیات، شماره ۱۹۹.
۱۱. خبرگزاری شفقنا.
۱۲. تفضلی، احمد، و به کوشش آموزگار، ژاله. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۶، ص ۷۲۱.
۱۳. معظمی، عبدالعلی، خودکامگی و خودکامگان در تاریخ ایران (تحلیل اجتماعی فرهنگی از تاریخ سیاسی ایران)، نشرعلم، ۱۳۹۶، ص ۶۹.
۱۴. رهنمان دین، ص ۲۳۴.
۱۵. همان، ص ۷۰.
۱۶. آقاجری، هاشم، مقدمه ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران: طرح نو، چاپ دوم ۱۳۸۹، ص ۶۳.
۱۷. همان ص ۴۳۳.
۱۸. شاردون، سیاحت نامه، ترجمه محمد عریضی، انتشارت نگاه، چاپ دوم ۱۳۶۲ ج ۸، ص ۱۳۷.
۱۹. آقاجری، ۳۵۳.
۲۰. خودکامگی و خودکامگان در تاریخ ایران، ص ۱۲۸.
۲۱. سایت دین آنلاین.
۲۲. بقره، ۸۵.
۲۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۲۴. فردوسی، شاهنامه، ص ۱۳۴۶.

■ بنیاد خلافت عباسی از همان آغاز، مبتنی بر خدعه و تفرقه اندازی و استفاده ابزاری از دین و خویشاوندی پیامبر ﷺ بود.

■ در اندیشه سیاسی عصر صفوی، شاه، را سایه خدا و مظهر خدا (ظل الله) و نائب امام زمان می‌دانستند.